ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
دوشنبه • ۲۰ اسفند ۱۳۹۷
۴ رجب ۱۴۴۰ • ۱۱ مارس ۲۰۱۹
شماره ۲۰۰۵۸
۱۲۸۱

زندگی سلام

تجربه‌هایی ناب از سفر به کربلای ایران به مناسبت روز ملی راهیان نور

راهیان عشق

پرونده

متولدان اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، کودکی‌شان در سال‌های دفاع مقدس گذشت و به همین دلیل اولویت روزهای نوجوانی‌شان خاص و متفاوت با برخی نوجوانان امروزی بود. در ک روزهای جنگ، حجله‌های سر کوچه، لمس حس خاص ترسیم شدن تصویر شهدا با اسپری و شابلون روی دیوار کوچه‌ها، همه و همه جنس دغدغه‌ها را تغییر می‌داد. وقتی آزادگان برگشتند، می‌شد عمیقاً حس کرد که قهرمان یعنی چه؟ و صبر را چه رفتاری معنا می‌کند. وقتی سر صف یا داخل نمازخانه مدارس با حوصله و اشتیاق پای صحبت رزمنده‌هایی می‌نشستیم که از دفاع مقدس می‌گفتند یک حسرت بزرگ در ما شکل می‌گرفت که ای کاش سهمی در آن حماسه بزرگ داشتیم. از اواسط دهه ۷۰ کم کم اردوهای راهیان نور شکل گرفت. مدارس، پایگاه‌های بسیج و گروه‌های مردمی این سفر را با کمبودها، مشکلات و سختی‌های خاص خودش تدارک می‌دیدند و برای ما که دوست داشتیم مثل رزمنده‌ها باشیم، دغدغه بزرگ این می‌شد که ای کاش حداقل بتوانیم آن فضای نورانی را از نزدیک ببینیم و حال و هوای معطرش را حس کنیم. این احساس وقتی تقویت می‌شد که به یاد بیاوریم سفر به کربلای معلی تقریباً در بیشتر آن سال‌ها غیر ممکن بود و کلیدواژه جالبی شکل گرفت: اگر نمی‌توانیم کربلا را ببینیم، کاش به کربلای ایران برویم، کربلای جبهه‌ها، شلمچه، طلائیه و مقر حضرت ابوالفضل معروفش، به دیگر نقاط جبهه‌های غرب و جنوب، حسینیه دوکوهه و محل شب زنده داری رزمنده‌ها، به اروند و نزدیکی جایی که گردان یاسین و نوح وارد عملیات عشق شدند... به راهیان نور.

مسجدی که درس استقامت می‌دهد

علیرضا دلبریان | مسئول آموزش غواص گردان یاسین و راوی دفاع مقدس

بیشتر یادمان‌ها و محل‌هایی که در سفر نورانی راهیان نور مورد بازدید قرار می‌گیرد، مربوط به شهداست که بدون شک جایگاه رفیعی دارند اما گاهی می‌توان از یک بناهم درس گرفت. وقتی به سمت شلمچه حرکت می‌کنیم به یک جاده فرعی می‌رسیم که یادآور مسیر حرکت غواصان در شب عملیات کربلای ۴ بوده است. انتهای جاده به سمت خین و اروند، نقطه صفر مرزی است و نرسیده به نهر خین، مسجد و لیعصر واقع شده که در زمان جنگ به مسجد دیدگاه معروف بوده است. از اولین روز شروع جنگ و شلیک اولین گلوله، این مسجد زیر خمپاره و آتش دشمن قرار گرفت و تا آخرین روز جنگ در کنار بچه‌های دلیر و رشید ایران، ایستاد و به آن‌ها کمک کرد. گنبد و دیواره‌های این مسجد بر اثر اصابت گلوله‌ها و ترکش‌های بسیار، سوراخ سوراخ شده اما به زمین ننشسته است. زیر گنبد این مسجد، راه پله‌ای بوده که نیروهای اطلاعات عملیات با دوربین‌های قوی از سوراخ‌های گنبدی، مواضع دشمن را زیر نظر می‌گرفته‌اند. این مسجد هنوز پابرجاست و هر سال زائران زیادی به این منطقه مشرف می‌شوند. یک زائر خارجی بعد از بازدید از این مسجد به من گفت: «شاید اگر هیچ کدام از یادمان‌های دیگر این سفر را نمی‌رفتم و فقط این مسجد را دیده بودم، اعتراف می‌کردم که این بنا و گنبد و دیوارهای زخمی آن، بهترین روایتگر مظلومیت مردم ایران است و اوج خباثت دشمن‌تان را نشان می‌دهد.» ایستادگی تا نفس آخر، اقتدار و داشتن روحیه فداکاری از درس‌هایی بوده که بچه‌های ما در دوران جنگ از این مسجد آموخته‌اند. ناراحتی من از این است که این مسجد را رها کرده‌اند و در نگهداری از این موزه اصیل و مقدس، خیلی کوتاهی شده است. راستی هنوز نردبانی که محل تردد بچه‌های جبهه برای دیده‌بانی بوده است، در این مسجد وجود دارد و پابرجاست. شاید پیامش این باشد که هنوز جنگ تمام نشده و دیده‌بانی از دشمن نباید متوقف شود.

شلمچه را نمی‌شود توصیف کرد

ابراهیم محدثی

رفتن به سفر راهیان نور در کنار توفیق، ملزومات دیگری مثل صبر و هدف گذاری می‌خواهد. صبر برای این که بدانیم به چه سفری آمدیم و قرار نیست خیلی خوش بگذرد و هدف گذاری هم از این نظر که بدانیم برای چه چیزی آمدیم و قدر فرصت کوتاه سفر را بدانیم. اما این‌ها را گفتم که از شلمچه بگویم. از این بگویم که خاک شلمچه حس غریبی دارد، از این بگویم که خون تعداد زیادی از یاران مخلص خدا بر خاک شلمچه ریخته، از این بگویم که راهیان نور یک طرف، شلمچه و تمسفرش یک طرف. شاید وضو داشتن در لحظه لحظه راهیان نور برایمان سخت باشد و آن را جدی نگیریم. شاید تصور کنیم که در کنار جنبه معنوی این سفر باید بین راه گپ و گفت و شوخی داشت، اما شلمچه را بیشتر جدی بگیریم. سعی کنید از راوی کاروان‌تان بخواهید اگر برایش مقدور است هر چه می‌خواهد بگوید را در حین مسیر بگوید. اطلاعاتی که هر جا و هر وقت دیگری هم می‌شود کسب کرد. در شلمچه باید سکوت کرد. باید نگاه کرد. باید به اندازه عمق یک دشت خیره شد به دلتنگی، غربت و غمی که شلمچه دارد. در شلمچه انگار خیره هستید به ابدیتی عجیب. جایی که زمان متوقف می‌شود، دور از هیاهوی شهر. شلمچه را نباید و نمی‌شود توصیف کرد، خاک شلمچه را باید حس کرد، تا بفهمید چرا می‌گویند: اما میون جبهه‌ها، شلمچه بیشتر از همه، گرفته بوی فاطمه... باید آن جا بود تا درک کرد هر روضه‌ای در شلمچه ناگهان به مدینه وصل می‌شود...

ماجرای قبرهای خالی دوکوهه

امید ادیب | روزنامه‌نگار

ساعت دو و نیم بامداد بود که از سرمای اتاق‌های دوکوهه بی‌خواب شدم و با همان صورت خواب‌آلود رفتم پشت حسینیه حاج همت. دوستون از دانشجویان خانم و آقا در دل شب جمع شده بودند. راوی داشت از شهدایی می‌گفت که کنار حوض قدیمی که کنار مان بود، وضو می‌گرفتند. تا به خودم بجنبم، دیدم سرِ ستون آقایانم! روحم هم فکرش را نمی‌کرد که قرار است دو ساعت پیاده‌روی کنیم تا برسیم به حسینیه شهدای تخریب! جایی که گردان‌های تخریب را از بقیه رزمنده‌ها جدا می‌کردند؛ یک جور قرنطینه معنوی! شهدا، پشت این حسینیه قبرهایی کنده بودند که همان ساعات معدود استراحت را هم به جای خواب، درون این قبرها با معبودشان خلوت کنند. حالا و بعد از این همه سال، دانشجوهایی که هر کدام از یک گوشه ایران آمده و بیش از دو ساعت و نیم پیاده‌روی کرده بودند، خستگی یادشان رفت و به محض این که متوجه شدند پشت حسینیه چه خبر است، بی‌توجه به صحبت‌های راوی، رفتند و خودشان را روی خاک‌ها انداختند و شروع کردند از زدن! بادِم اذان صبح و شبنم روی خاک و البته غبارهای که روی دیوارهای حسینیه بود، هنوز بوی لباس و چکمه گردان‌های تخریب را می‌داد. همان‌هایی که به سن تکلیف نرسیده، از دیر شدن نماز شب‌شان استغفار می‌کردند و وقت رفتن روی مین، پوتین نوی بیت‌المال را بر می‌گرداندند!

سوغاتی سفر به دهلاویه

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

سخن درباره شهید چمران بسیار است و در این سال‌ها، مستندها، فیلم‌ها و محصولات زیادی درباره‌اش ساخته شده اما تا راهی روستایی در مسیر جاده بستان به سوسنگرد نشدیم، انگار هیچ چیز از چمران نمی‌دانستیم. انگار اصلا او را نمی‌شناختیم و با افکار و دیدگاه‌هایش آشنا نبوده‌ایم. یادمان شهید چمران در روستای دهلاویه یکی از پربازدیدترین یادمان‌های سفرهای راهیان نور است. جایی که نمایشگاهی از تصاویر و اسناد دوران کودکی، نوجوانی و جوانی و مبارزات چمران در جبهه‌ها تا لحظه شهادت برپا شده است. اما این همه ماجرا نیست! آن چه بازدیدکنندگان دهلاویه را در بهت فرو می‌برد، مناجات‌های لطیف شهید چمران با معبودش است که با صدای خودش، دل‌های حاضر در آن قسمت از خاک ایران را تکان می‌دهد و اشک‌شان را جاری می‌کند. نقاشی‌های تاثیرگذار شهید چمران در کنار عکس‌های رشادت‌هایش در مناطق جنگی، دلنوشته‌های عاشقانه‌اش در کنار عکس‌هایش با فرزندانش، مدارک علمی و دانشگاهی‌اش در کنار تلاش‌هایش در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، می‌شود سوغاتی سفر به دهلاویه.

از میان زمین و آسمان و از معبری عجیب به معبدی غریب می‌رسی، جایی که به رسم ادب باید به جای کفش، پایت را در آوری. جایی که با اشک هایت وضو می‌گیری و نماز عشق نیت می‌کنی، جایی که جانمازت می‌شود خاک و پیشانی‌ات به جای مُهر، روی جای پای عرشیان است

میزبان از جانش برایمان مایه گذاشته و در قطعه‌ای از بهشت مهمانی برای عید گرفته بود. سفره‌ای پهن کرده به پهنای آسمان و هفت سین‌اش را به جای سیر، سرکه، سمنو و سکه با سجاده، سربند، سر نیزه و سیم خاردار تزیین کرده بود

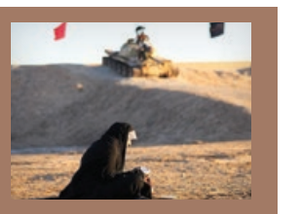

جاذبه این جا تو را به سوی خود می‌کشد و در آغوش می‌گیرد، این جا چیزی به نام زمان وجود ندارد و زمین چرخش را از یاد برده است. انگار ذرات این خاک سرخ جای خود را با ابرهای آبی آسمان عوض کرده‌اند و تو مانده‌ای که در آسمان چندم قدم بر می‌داری

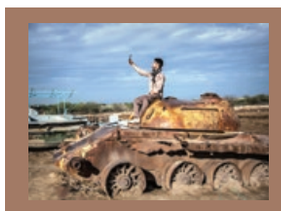

دوربین به دست راهی می‌شوی، وقتی دعوت نامه‌ای تو را به راهی پر از نور فرا می‌خواند. فرقی نمی‌کند چه هستی و که هستی و چه می‌کنی، مهم این است که برای قدم زدن در قطعه‌ای از بهشت تو از میان هزاران نفر دعوت شده‌ای، فقط تو...

این دیار پرشکوه و سربلند، لاله‌زاری است که برای قدم زدن در هر گوشه‌اش باید مراقب باشی که مبادا روی خون لاله‌ها پا بگذاری! راه سخت است و طولانی اما در این شقایق زار که پا می‌نهی نمی‌دانی این مکان و زمان در کدام لحظه تاریخ است؛ آینده، حال یا گذشته

جدول سخت [شماره ۵۶۵]

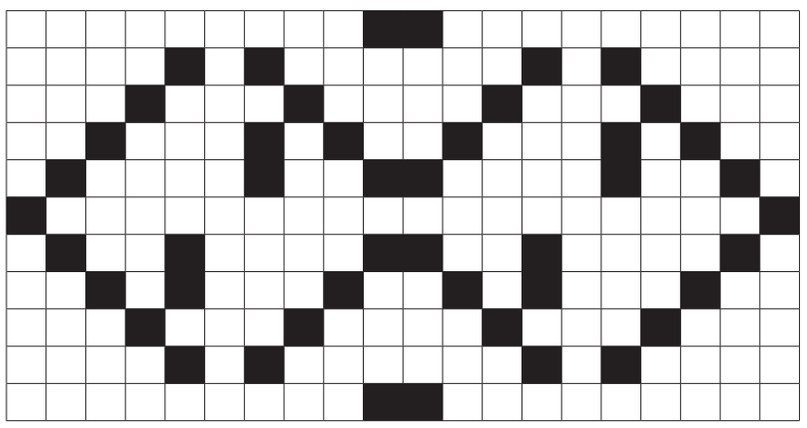

افقی:

۱- تیم باشگاهی آلمان - تالابی در جنوب شرقی کشورمان ۲- سیم خارجی - تنگه ای که اقیانوس اطلس را به اقیانوس آرام پیوند می‌زند - کنکاش ۳- آسانی - رتبه کارمندی - حی - پیگیر - بداعت ۴- بازی نفس گیر - گره دریایی - نفس خسته - ابزار نخ تابی - راز ۵- اندک - چاه ها - تکرار حرف - دربان پادشاه ۶- از آثار شهید مرتضی مطهری ۷- رنگی است - آسیب - انباره - صفحات اینترنتی ۸- نفوذ رایانه ای - خواری - دانه - وزن - پرتو ۹- عدد مجهول - کمربند - یکتا - زنبور عسل - درختی کوچک با گل های سفید و معطر ۱۰- طلای براده شده - پدر داریوش هخامنشی - ذرت ۱۱- بازیکن سابق استقلال و تیم ملی - از کتاب های معتبر تاریخی

عمودی:

۱- شهری در خوزستان - بام دنیا ۲- موش خرما - نقیض میان ۳- ماه پرتابی - شهود - حمام ۴- اگر - ژاندارم - سنبل الطیب ۵- محلی بود که بنی اسرائیل هنگام رفتن به سینا به آن جا وارد شدند ۶- اثری از ناصر خسرو ۷- جریانی که تلاش می‌کند بر هیئت حاکمه اثر بگذارد ۸- بحر - غرامت - شکم بند طبی ۹- غمزه - قوچ - راه رفتن ۱۰- نیش - از صورت های فلکی جنوبی ۱۱- نزد - معمار ۱۲- شکوه - گوژپشت - فعل ربطی ۱۳- والده - کربن خالص - آش ۱۴- شهری در لرستان ۱۵- بنیان‌گذار سازمان هواشناسی ایران ۱۶- گونی ۱۷- بازو - محمل - مرغابی ۱۸- ماه قیصری - سلاح ریختنی - ظرفی برای حمل مایعات ۱۹- کالا - جایی کم عمق در دریا که کشتی در آن جا به گل می‌نشیند ۲۰- لهیب - گرداگرد

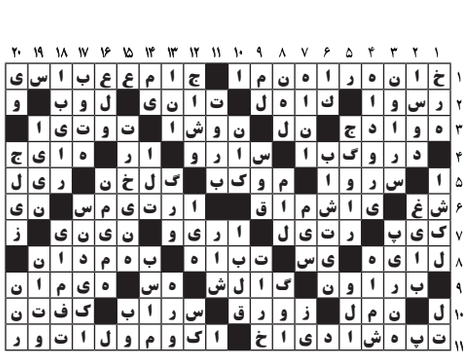

حل جدول شماره ۵۶۴

جدول متوسط [شماره ۷۳۵۴]

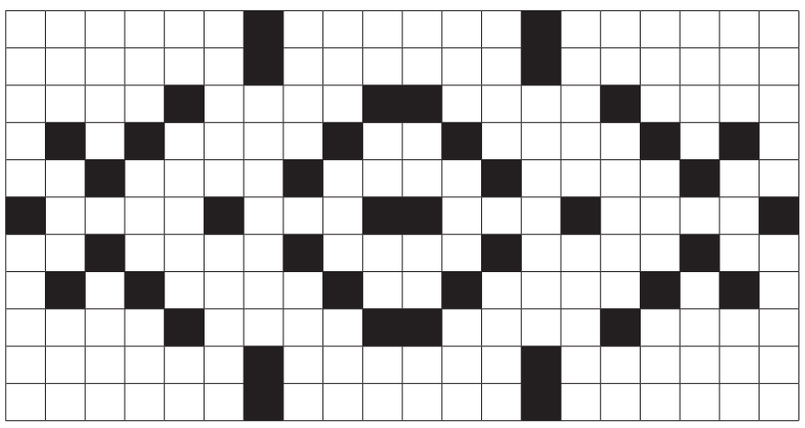

افقی:

۱- ثروتمند - تراز - صنعت جهانگردی ۲- تکاور - ماده ای سفید رنگ که از خیزران می‌گرفتند ودر طب کاربرد داشت - شیرینی که با شیره شکر درست می‌شود ۳- قاره پهناور - رسا - سپاس گزار - عالم ۴- ایشان - چاشنی دو سویه - لم یزرع ۵- تمام و کامل - مقصود - خاکستر - سستی - یادداشت ۶- توان - سرگشته - دشمنی - بی حرکت ۷- زائو ترسان - اشاره - گدا - همدم - نوعی زغال سنگ ۸- اگر برعکس شود به معنی هیاهو و فریاد است - راس - دعای دلنشین عصر جمعه ۹- جوان - ضرر - تنبل - شاعر نوپرداز ۱۰- تشکر - خراج - از مقاطع پیش از دبستان ۱۱- راهی که انسان از آن به مقصد نرسد - کشنده معروف - نوزاد

عمودی:

۱- خوبی ها - لوازم ۲- دیروز - پیمانه - پرتاب کردن و تیر انداختن ۳- طبقه - نوعی میمون ۴- قله زاگرس - ستیزه - مادر آذری ۵- جاده بی سر و ته - تزیین - سودای ناله ۶- فروغ - قیچی ۷- چیزی که به عنوان هدیه به کسی می‌دهند ۸- مخلوط شن وماسه وسیمان وآب - پنجم ۹- پرهیز - پلیدی - حلقوم ۱۰- درون - زهر - بنیان - نت ششم ۱۱- شوربا - پسوند شباهت - مساوی عامیانه - پول ژاپن ۱۲- عضو گزنده - تیر کشتی - مقعر ۱۳- از شهرهای آذربایجان شرقی - پوشاننده ۱۴- تصدیق ۱۵- سرگذشت پیشینیان - رنجور ۱۶- صفحات اینترنتی - داستان - درخت انگور ۱۷- زیرک - بیم - خالص ۱۸- ویران - شیفته ۱۹- دیدنی ارتش - ملح - ناگفتنی ۲۰- وقار - مزد

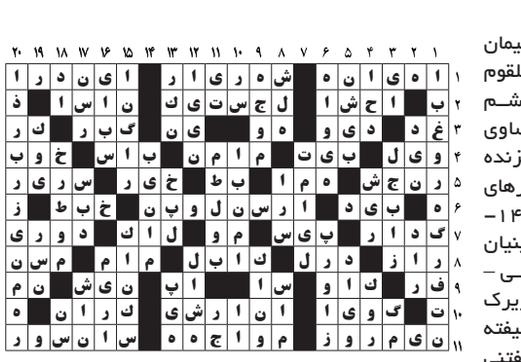

حل جدول شماره ۷۳۵۳